

حمله به ایران اشتباه بود

«آنتونی بلینکن»، وزیر خارجه پیشین ایالاتمتحده در مقاله‌ای اذعان کرد که حمله آمریکا به سه مرکز هسته‌ای ایران اقدامی نادرست و غیرضروری بوده است. در این مقاله که در روزنامه «نیویورک تایمز» منتشر شده، بلینکن گفت، این حمله نباید انجام می‌شد. او می‌گوید در سال ۲۰۱۵، دولت «باراک اوباما» با همراهی بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه، چین و اتحادیه اروپا به توافقی با تهران تحت عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» یا برجام دست یافت. این توافق، فعالیت‌های تولید مواد شکافت‌پذیر در ایران را که برای ساخت سلاح هسته‌ای ضروری است، تحت کنترل شدید قرار داد و بازرسی‌های سختگیرانه‌ای برای آن تعیین کرد. اما در سال ۲۰۱۸، ترامپ این توافق را پاره کرد و چیزی جایگزین آن نکرد. در پاسخ، ایران غنی‌سازی را افزایش داد و احتمالاً زمان دستیابی خود به سلاح هسته‌ای را کاهش داد. به عبارت دیگر، ترامپ حالا در حال تلاش برای خاموش کردن آتشی است که خود او در آن دمیده است. از سوی دیگر، به گفته بلینکن، مواد شکافت‌پذیر تنها یکی از اجزای ساخت سلاح هسته‌ای هستند. برای ساخت بمب، به سازوکار انفجاری نیز نیاز است. به گفته بلینکن، با وجود پیام‌های متناقض در دولت ترامپ، نهادهای اطلاعاتی آمریکا بر این باورند که ایران هنوز تصمیمی برای تسلیحاتی کردن برنامه‌اش نگرفته است. حتی اگر چنین تصمیمی بگیرد، دستیابی به یک سلاح انفجاری حدود ۱۸ تا ۲۴ ماه طول خواهد کشید. بنابراین هنوز فرصت برای دیپلماسی وجود داشت و شرایط به آن وخامتی که ترامپ ادعا می‌کرد نرسیده بود. علاوه بر این، به گفته کارشناسانی که بلینکن با آن‌ها صحبت کرده، تردیدهای فراوانی درباره توانایی بمب‌های سنگرشکن آمریکایی برای نابود کردن کامل سایت‌هایی مانند فردو و دیگر تأسیسات مستحکم ایران وجود دارد. گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که زیرساخت هسته‌ای ایران آسیب زیادی دیده، اما کارشناسان اذعان دارند که نابود نشده است. بلینکن در ادامه می‌گوید در شبیه‌سازی‌های جنگی که در دولت بایدن انجام شد، نگرانی‌هایی وجود داشت که ایران ممکن است ذخایر اورانیوم غنی‌شده نزدیک به سطح تسلیحاتی خود را به چندین مکان امن منتقل کرده باشد و سانتریفیوژهای لازم برای غنی‌سازی بیشتر را حفظ کرده باشد. در چنین سناریویی، ایران ممکن است به ایجاد قدرت بازدارندگی هسته‌ای سوق داده شود. وزیر خارجه پیشین آمریکا همچنین می‌گوید که گرچه حمله آمریکا احتمالاً برنامه هسته‌ای ایران را به عقب رانده، اما ایران می‌تواند به سرعت تأسیسات خود را در مکان‌هایی بازسازی کند که از حملات هوایی مصون باشند و همزمان، مسیر بازدارندگی را نیز پیش ببرد. بلینکن با انتقاد از خروج ترامپ از برجام، می‌گوید یک توافق دیپلماتیک می‌توانست هم نگرانی‌های ادعایی غرب از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را مرتفع سازد، هم از تبعاتی مانند حمله موشکی اخیر ایران به پایگاه آمریکا در قطر یا تهدید به مسدودسازی تنگه هرمز جلوگیری کند. او در پایان می‌نویسد که بایدن از تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای تضعیف ایران و نیروهای نیابتی‌اش حمایت کرد، به اذعان بلینکن، بدون حمایت ایالاتمتحده، امکان نداشت که رژیم اشغالگر بتواند به قدرت پدافندی ایران و جنبش مقاومت آسیبی وارد کند. وزیر خارجه پیشین آمریکا می‌گوید، ترامپ اکنون می‌توانست به توافقی مطلوب با ایران دست پیدا کند، اما مسیر نظامی را انتخاب کرد.



طریق آن‌ها اختلافات خود را به صورت مسالمت‌آمیز حل کنند. حمله یک‌جانبه آمریکا به ایران، که بدون مشورت با این نهادها انجام شد (البته با نادیده گرفتن نقش بسیار منفی آژانس در تنش‌های اخیر)، اعتماد به دیپلماسی چندجانبه را کاهش داد. این اقدام نشان داد که قدرت‌های بزرگ می‌توانند به جای مذاکره، به اقدامات نظامی متوسل شوند.

این سیاست غافلگیری که می‌توان آن را «خیانت به دیپلماسی» توصیف کرد، در حالی از سوی ایالاتمتحده دنبال شد که نگاهی به گذشته نشان می‌دهد دولت ترامپ نه در دور نخست ریاست‌جمهوری او در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ و نه در دوم که از ژانویه ۲۰۲۵ آغاز شده، توفیق چندانی در دیپلماسی یکجانبه یا منطقه‌ای نداشته است.

کاهش تمایل کشورها به مشارکت در مذاکرات چندجانبه، به‌ویژه در مورد مسائل حساس مانند برنامه‌های هسته‌ای یا امنیت منطقه‌ای می‌تواند فرصت‌های حل‌وفصل دیپلماتیک مناقشات را کاهش دهد.

یکی از مهم‌ترین موارد در این زمینه کره شمالی خواهد بود. کره شمالی در گذشته، به‌ویژه در مذاکرات شش‌جانبه (۲۰۰۹-۲۰۰۳) و گفت‌وگوهای مستقیم با آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ (۲۰۱۹-۲۰۱۸)، نشان داده بود که در صورت تضمین‌های امنیتی معتبر، ممکن است به مذاکره برای محدودکردن برنامه هسته‌ای خود تمایل نشان دهد. اما حمله به ایران، که در حین گفت‌وگوهای دیپلماتیک با کشورهای اروپایی انجام شد، این پیام را به پیونگ‌یانگ ارسال کرد که حتی پایبندی به مذاکرات و همکاری با نهادهای بین‌المللی نمی‌تواند از اقدامات نظامی یک‌جانبه جلوگیری کند. این امر اعتماد کر شمالی به هرگونه راه حل دیپلماتیک را به‌طور کامل از بین می‌برد.

کره شمالی برنامه هسته‌ای خود را به عنوان ابزاری برای بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی ایالاتمتحده، توسعه داده است. این کشور بارها اعلام کرده که سلاح‌های هسته‌ای ضامن بقای رژیم و امنیت ملی آن هستند. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، که به‌بانه جلوگیری از «تهدید بالقوه» انجام شد، این باور کره شمالی را تقویت می‌کند که کنار گذاشتن تسلیحات هسته‌ای به معنای آسیب‌پذیری در برابر حملات نظامی است.

برخلاف ایران، که تاکنون به سیاست عدم توسعه سلاح هسته‌ای پایبند بوده، کره شمالی آشکارا زرادخانه هسته‌ای خود را گسترش داده و در سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که قصد دارد تعداد کلاهک‌های هسته‌ای خود را افزایش دهد. حمله آمریکا به ایران این پیام را به پیونگ‌یانگ مخابره کرد که برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز می‌توانند هدف حملات نظامی قرار گیرند، برنامه‌های نظامی، این موضوع کره شمالی را به این نتیجه می‌رساند که تنها راه حفظ امنیت، تقویت و گسترش زرادخانه هسته‌ای است، نه اعتماد به وعده‌های دیپلماتیک.

تجربه‌های تاریخی کره شمالی در مذاکرات هسته‌ای نیز این بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند. توافق‌نامه چارچوب ۱۹۹۴، که در آن کره شمالی متعهد به توقف برنامه هسته‌ای خود درازای کمک‌های اقتصادی و تضمین‌های امنیتی شد، به دلیل عدم اجرای تعهدات از سوی آمریکا و متحدانش به شکست انجامید. همچنین مذاکرات دوره ترامپ، که با دیدارهای نمایشی در سنگاپور و هانوی همراه بود، به دلیل عدم توافق بر سر رفع تحریم‌ها و تضمین‌های امنیتی به بن‌بست رسید. حمله به ایران نشان داد که حتی در صورت پیشرفت دیپلماتیک، قدرت‌های بزرگ می‌توانند به‌طور یک‌جانبه تعهدات خود را نقض کنند. این سابقه، همراه با اقدام اخیر علیه ایران، کره شمالی را متقاعد می‌کند که دیپلماسی راه حلی غیرقابل اعتماد است.

برای کاهش پیامدهای این حمله، لازم است که جامعه بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای بی‌طرف برای بازسازی اعتماد به دیپلماسی چندجانبه تلاش کنند. میانجی‌گری این کشورها می‌تواند فرصتی برای ازسرگیری مذاکرات بین ایران و قدرت‌های جهانی فراهم کند. همچنین سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید استقلال خود را تقویت کنند و از تبدیل‌شدن به ابزار قدرت‌های بزرگ جلوگیری کنند.

درنهایت سیاست‌های تهاجمی آمریکا، اگر بدون پاسخگویی بین‌المللی ادامه یابد، می‌تواند نظم جهانی را به سمت بی‌ثباتی بیشتری سوق دهد. تنها راه جلوگیری از این سناریو، بازگشت به دیپلماسی، احترام به قوانین بین‌المللی و تقویت نهادهای جهانی است.

آخرین آسیبی که تصمیمات ماه‌های اخیر کاخ سفید به دنبال خواهد داشت، تشدید ابهام‌ها درباره فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در واشنگتن است. اتخاذ تصمیم حمله به ایران یا حاصل ناتوانی تیم امنیت ملی ترامپ در ارزیابی پیامدهای راهبردی آن بوده، یا نشانه‌ای از نفوذ سنگین لابی اسرائیلی بر کاخ سفید است. در هر دو حالت، نقش تعیین‌کننده بنیامین نتانیاهو در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک آمریکا بیش از پیش آشکار شد.

برخلاف ایران، که تاکنون به سیاست عدم توسعه سلاح هسته‌ای پایبند بوده، کره شمالی آشکارا زرادخانه هسته‌ای خود را گسترش داده و در سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که قصد دارد تعداد کلاهک‌های هسته‌ای خود را افزایش دهد.

حمله آمریکا به ایران این پیام را به پیونگ‌یانگ مخابره کرد که برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز می‌توانند هدف حملات نظامی قرار گیرند، نه برنامه‌های نظامی

که با منافع قدرت‌های بزرگ هم‌راستا باشد.

کاهش اعتماد کشورهای در حال توسعه به سازمان ملل و افزایش تمایل آن‌ها به پیگیری راه‌حل‌های منطقه‌ای یا دوجانبه برای مسائل امنیتی، که می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در نظام جهانی منجر شود.

از طرفی، هر چند موضوعات اخلاقی برای ترامپ اهمیتی ندارد، ایالاتمتحده جایگاه اخلاقی را که برای خود در موضوعاتی نظیر تجاوز روسیه به اوکراین متصور است، از دست می‌دهد و به الگویی برای حملات پیش‌دستانه تبدیل می‌شود.

▼ تضعیف دیپلماسی چندجانبه

حمله اسرائیل به ایران در شرایطی صورت گرفت که ایران خود را برای حضور در ششمین دور از گفت‌وگوهای هسته‌ای با ایالاتمتحده آماده می‌کرد و ضمن اعلام اینکه قصد ندارد به توسعه سلاح‌های هسته‌ای بپردازد، از آمادگی خود برای محدود کردن برنامه هسته‌ای به منظور اعتمادسازی خبر می‌داد.

حمله ایالاتمتحده به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز زمانی انجام شد که ایران مشغول گفت‌وگو با سه کشور اروپایی عضو برجام، یعنی بریتانیا، آلمان و فرانسه بود. نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بسترهایی برای دیپلماسی چندجانبه فراهم می‌کنند که کشورها می‌توانند از

قرار گرفت. این مسئله اعتبار و کارآمدی NPT را به شدت زیر سؤال می‌برد. به عنوان فردی که بخش عمده‌ای از عمر دیپلماتیک خود را صرف تلاش برای برقراری صلح، ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه و کاهش تنش میان ایران و غرب کرده‌ام، با تأسف عمیق اعلام می‌کنم که ترامپ، با این اقدام، دیپلماسی را به حاشیه راند و اشتباهی تاریخی مرتکب شد.» او افزود: «این نخستین بار است که دو بازیگر دارای زرادخانه هسته‌ای (آمریکا و اسرائیل)، به‌طور مشترک به کشوری (NPT) و فاقد سلاح هسته‌ای است، حمله می‌کنند. این مسئله ثابت می‌کند که NPT برای واشنگتن و تل‌آویو نه یک تعهد حقوقی، بلکه ابزاری سیاسی و گزینشی است.»

▼ تضعیف شورای امنیت

حمله یک‌جانبه آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران بدون تأیید شورای امنیت، نقض مستقیم ماده ۲ منشور ملل متحد است که استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها را ممنوع می‌کند. این اقدام، اقتدار شورای امنیت به عنوان نهاد اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد. وقتی یکی از اعضای دائم شورای امنیت (آمریکا) به صورت یک‌جانبه عمل می‌کند، این پیام را به سایر کشورها ارسال می‌کند که تصمیمات این شورا تنها زمانی محترم شمرده می‌شود



دست برای ایالات متحده و جامعه جهانی خواهد داشت

